

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماى جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدى عرفاتى</p>		<p>حدیث روز:</p> <p>پیامبر اسلام (ص) : بنده با خوش اخلاقى به مقام روزگىر شب‌زنده‌دار مى‌رسد.</p>
<p>واحه:</p> <p>گفتا‌نه گفتنیست سخن‌گر چه‌محرى درکش‌زبان و پرده‌نگه دارومى‌بنوش</p>		<p>اوقات شرعى:</p> <p>اذان ظهر: ۱۳:۰۰ اذان مغرب: ۱۹:۳۳ اذان صبح (فردا): ۵:۲۱/ طلوع خورشید(فردا): ۶:۴۶</p>
<p>امروز در تاریخ:</p> <p>۱ پیوستن ایران به اعلامیه ملل متحد(۱۳۳۲ش) افتتاح بزرگ‌ترین نمایشگاه بین‌المللى بازرگانى تهران(۱۳۵۴ش) درگذشت عطا...کاملى، دولبورا(۱۳۴۷ش) درگذشت اسد...عسگرولادى، سرمایه‌دار ایرانى(۱۳۹۸ش) اختراع آسانسور در آمریکا(۱۷۸۰م)</p>		<p>حکمت ۱۸۹:</p> <p>هر که را صبر رهاىی ندهد، بیثابى و زارى تپاهش سازد.</p>
<p>وضعیت آب و هوای امروز</p> <p>تهران ۲۳ / ۳۵ اهواز ۲۶ / ۴۳ ایلام ۱۴ / ۳۲ اردبیل ۸ / ۲۴ بجنورد ۱۵ / ۳۴ خرم‌آباد ۱۶ / ۳۷ شیراز ۱۶ / ۳۵ گرگان ۲۱ / ۳۲</p>		<p>دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۰ ۶ صفر ۱۴۴۳ صفحه ۲۴ سال بیست و دوم - شماره ۹۰۳۱ Monday - September 13 , 2021</p>



نمی‌شود کیش را بزرگ کرد؟!

علیرضا راقتی

روزنامه‌نگار

بیرون بیایی، کیسه زباله‌ات را گوشه پیاده‌رو رها کنی و بروی؟ چه کسی به رانندگان می‌گوید در این خیابان می‌توانید بروید داخل خیابان ورود ممنوع و اگر کسی از روبه‌رو آمد بوق را بکنید توی گوش هایش؟

هرکجای ایران که این روزنامه‌رامی خوانید(به جز یکی دو جای خاص!) احتمالاً هر روز با شیوه‌های آزادهنده‌مختلفی از رانندگی و رفتن‌های اجتماعی روبه‌رو هستید که دیگر به آنها عادت کرده‌اید. دیگر انگار عادت کرده‌اید که وقتی می‌خواهید از عرض خیابان عبور کنید یک نگاه هم به جهت مخالف بیندازید که مطمئن شوید، یک موتورسوار از جهت مخالف خیابان سرنمی‌رسد! دیگر عادت کرده‌اید که در دوران کرونا مردمی را در کوچه و خیابان ببینید که ماسک نزنده‌اند و دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت نمی‌کنند اما چرا ما به این چیزها عادت می‌کنیم؟

اگر تجربه رانندگی در جزیره کیش را داشته باشید باشکال دیگری از رانندگی و رفتار مردم در خیابان روبه‌رو می‌شوید که باورتان نمی‌شود اینجا هم همان کشوری است که شهر شما در آن است. همه مردم با سرعت مجاز که بسیار هم کمتر از شهرهای دیگر است رانندگی می‌کنند. قبل از میدان توقف کامل می‌کنند و همه آن چیزی را که در خیابان‌های دیگر شهرها نمی‌بینیم، رعایت می‌کنند.

دیروز شمار بیماران جدید کرونایی در جزیره کیش به صفر رسید! هیچ‌کس با علائم کرونا به بیمارستان مراجعه نکرد. باز هم فکر می‌کنید لابد آنجا ایران نیست، مگر می‌شود در بقیه شهرها این همه فوتی بدهیم و در کیش آمار به‌صفر برسد؟ مسوولان کیش می‌گویند نمی‌شود! می‌گویند اینجا مردم پروتکل‌ها را سفت و سنجیده رعایت می‌کنند و اگر هم کسی رادر خیابان ببینید ماسک ندارد، شک نکنید که مسافر است! مسوولان هم از همان ابتدا با اعمال دورکاری و تصمیمات مهم دیگر، کرونا را در این جزیره کنترل کرده‌اند. لاله که این جزیره هم در محدوده جغرافیایی همین کشور قرار دارد، آیا نمی‌شود آن را گرفت و ابعادش را بزرگ کرد و بسطش داد به تمام جغرافیای کشور؟ نمی‌شود ایرانی‌ها در همه جای کشورشان مثل وقتی در جزیره کیش هستند رفتار کنند؟

گفت‌وگو با حامد امیری

دارنده مدال طلای پارالمپیک در رشته پرتاب نیزه

مادرم گفت طلا بگیر؛ گرفتم!

دنبال معلم رشد شخصی می‌گردید و برای خارجی‌های هزینه می‌کنید ووبینارها و سمینارهای‌شان را خدا تومان پول می‌دهید تا ببینید و یاد بگیرید چگونه موفق شوید؟ اما به نظر لازم نیست جای دوری بروید و قهرمانان را در کشورهای اروپایی و آمریکایی پیدا کنید و مدام بکوشید سبک زندگی آنها را در ایران اجرایی کنید تا به قهرمان زندگی خودتان تبدیل شوید. دور و بر خودمان و در همین ایران خودمان پر است از قهرمانان خودساخته‌ای که زندگی هر کدام‌شان و بیناری چند ساعته است که می‌تواند راه رشد و موفقیت را نشان‌مان دهد. اما قبل از همه اینها باید آن آتش درونی را که درتو پنهان شده پیدا کنی. خواستن را از حرف به عمل تبدیل کنی، آستانه سختی کشیدن و کم نیاوردن را بالا ببری و از همه مهم‌تر هدف داشته باشی و بدانی که هدف با آرزو و تخیل فرق دارد. همه اینها را حامد امیری داشته و دارد. مردی که امسال در مسابقات پارالمپیک توکیو شگفتی‌ساز شد و توانست مدال طلای رشته پرتاب نیزه را از آن خود کند. او با ویلچر به مسابقات رفت و با همه محدودیت‌هایی که این ورزش برای معلولان دارد، مسابقه داد و عملاً ثابت کرد خواستن، توانستن است.

پارگی عضله دست را فراموش کردم

امیری درباره روز مسابقه و این‌کم چگونه نیزه را پرتاب کرد و با چه انگیزه‌ای چنین حرکتی را انجام داد که طلا نصیبش شد، می‌گوید: قبل از مسابقات توکیو در اردوی لاهیجان بودیم که دستم آسیب دید. پشت بازویم پاره شد و نمی‌توانستم پرتابی انجام دهم. از رفتن به توکیو منصرف شده بودم که رئیس فدراسیون گفت: سال‌هاست زحمت کشیده‌ای و سهمیه المپیک را هم داری، برو و مسابقه بده حتی اگر شده یک متر پرتاب داشته باشی. از آن طرف مادرم که سال‌هاست از من مراقبت می‌کند و مهم‌ترین و مؤثرترین مشوقم در همه زندگی‌ام بوده به من می‌گفت باید بروی و مدال طلا هم بگیری. رفتم و دومین نفری بودم که باید پرتاب را انجام می‌دادم. قبل از من پرتابگر روسی، پرتابش را روی ۳۰متر و ۵۰سانت ثبت کرد.

او در مسابقات امارات ۲۹متر پرتاب کرده بود و نشان داد برای توکیو، فشرده‌تر تمرین کرده است. وقتی به میدان رفتم نمی‌دانستم اوضاع سه رقیب آمریکایی، بلاروس و یونانی‌ام چطور است. دستم آسیب دیده بود و روحیه چندان خوبی نداشتم اما برای یک لحظه چهار سال زحمتی را که کشیده بودم جلوی چشمم آمد. مادرم را دیدم که می‌گفت باید طلا بگیری... همه توانم را در دستم جمع کردم و پارگی بازویم را فراموش و نیزه را پرتاب کردم. برایم مهم نبود دستم چه می‌شود، مهم این بود که طلا بگیرم. ۳۱متر و ۲۷سانتی‌متر را ثبت کردم و رکورد پارالمپیک را تغییر داده و طلا گرفتم. حالا می‌توانستم با سربلندی به خانه برگردم و به مادرم بگویم گفתי طلا بگیر؛ گرفتم! وقتی به ایران آمدم، مادرم را بغل کردم. او از خوشحالی گریه می‌کرد. به‌نظم در هر کاری اگر دعای خیر مادر همراهت باشد، حتما موفق می‌شوی. مادرم در همه این سال‌ها که معلول شدم و دوباره برخاستم و مسابقه دادم، همیشه کنارم بود. از من مراقبت کرد و همیشه روحیه داد و نگذاشت که اوج را فراموش کنم.

برخاستن دوباره

امیری متولد سال ۶۱ خرم‌آباد است و آن‌طور که خودش می‌گوید از کودکی و نوجوانی در رشته‌های کشتی و وزنه‌برداری فعال بوده و در مسابقات شرکت می‌کرده. پدرش از کشتی‌گیرهای قدیمی بوده و دایی‌اش بوکسور و هر دو او را تشویق می‌کردند که ورزشکار شود و قهرمان. امیری سال‌ها در رشته قوی‌ترین مردان ایران و جهان و مردان آهنین مسابقه می‌داده و همیشه هم مدال می‌گرفته. سال ۹۱ در یک سانحه تصادف آسیب جدی می‌بیند و شرایط و روزگارش تغییر می‌کند. درباره آن حادثه می‌گوید: در جاده خرم‌آباد یک ماشین می‌خواست سبقت بگیرد، راه دادم و خودم را کشیدم شانه جاده اما شانه‌کم بود و چپ کردم و حدود ۱۰معلق خوردم. هیچ‌کس نبود که نجاتم بدهد. خودم را از ماشین بیرون کشیدم و به اورژانس و خانواده‌ام تلفن کردم. قطع نخاع شده بودم و شرایطم اصلاً خوب نبود. دکترها از این که من حتی بتوانم روی ویلچر بنشینم، ناامید شده بودند چه برسد به این که بتوانم راه بروم. اما خانواده‌ام به من نمی‌گفتند که چه شده و مدام می‌گفتند خوب می‌شوی. یک روز در بیمارستان

■ شماره: ۳۶۳۷-ISSN ۱۷۳۵۰۰
■ پایگاه اطلاع‌رسانی:
www.jamejamonline.ir
www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۰ | ۶ صفر ۱۴۴۳ | صفحه ۲۴ | سال بیست و دوم - شماره ۹۰۳۱ | Monday - September 13 , 2021

تهران ۲۳ / ۳۵
اهواز ۲۶ / ۴۳
ایلام ۱۴ / ۳۲
اردبیل ۸ / ۲۴
بجنورد ۱۵ / ۳۴
خرم‌آباد ۱۶ / ۳۷
شیراز ۱۶ / ۳۵
گرگان ۲۱ / ۳۲



نجات‌دهنده، خودت هستی

روزی به پیشنهاد یکی از دوستان برای تماشای ورزش معلولان رفتم و همین شروع دوباره‌ای برایم بود. پس من هم می‌توانستم دوباره به دنیای ورزش برگردم. با خودم عهد کردم دوباره به روزهای طلایی‌ام برگردم و باعث افتخار خانواده‌ام شوم. وقتی پرتاب را شروع کردم، مربی‌ها می‌گفتند، نمی‌توانی باید خیلی وقت پیش تمرین را شروع می‌کردی. به آنها گفتم فقط بگویید چند متر پرتاب کنم. تصمیم گرفتم خودم را به مسابقات ربو برسانم. ۱۷۴کیلو وزنم بود و باید ۷۴کیلو می‌شدم. ظرف دو سال ۱۰۰کیلو وزن کم کردم و تمریناتم را هم ادامه دادم. در مسابقات ربو، تقه رفتم و بعد از آن شروع کردم به تمرین برای توکیو. چهارپنج سال بسیار سخت را سپری کردم. آن‌قدر سخت که گاهی تصور می‌کنم خواب بوده و گرنه در بیداری نمی‌توان این همه مشکل و سختی را تاب آورد. اما الان می‌گویم همه چیز از خود ما شروع می‌شود، خواستن و رسیدن بستگی به خود ما دارد. در بیرون هیچ چیز مهیا نیست باید خودت آماده‌اش کنی. نه قسمت نه شانس نه هیچ چیز دیگر نمی‌توانست مرا از روی تخت بلند کند. خودم خواستم و این خواستن آن قدر قوی و عملیاتی بود که دیگران هم به کمکم آمدند. تصمیم گرفتم قهرمان توکیو شوم و شدم. فقط باید خودت بخوای. همین.

صدای دکتر را از اتاق کناری شنیدم که به پدر و مادرم می‌گفت باید به او بگویید چه اتفاقی افتاده است. وقتی از دکتر خواستم که خودش بگوید چی شده، از جوابش شوکه شدم. منی که هواپیما را روی زمین می‌کشیدم چگونه دیگر حتی نمی‌توانستم، بنشینم! به خانه رفتم و تصمیم گرفتم که شرایطم را تغییر بدهم. باید دوباره به روزهای طلایی قبل برمی‌گشتم. پچه که بودم همین روحیه را داشتم؛ این که روی پای خودم بایستم و مستقل باشم. اوضاع مالی خانواده‌ام خوب بود اما برای این که دستم در جیب خودم باشد، بعد از مدرسه کار می‌کردم، شانس می‌فروختم و بلال؛ طوری که پدر و مادرم متوجه نشوند. حالا

امروز در تاریخ:

۱ پیوستن ایران به اعلامیه ملل متحد(۱۳۳۲ش)
افتتاح بزرگ‌ترین نمایشگاه بین‌المللى بازرگانى تهران(۱۳۵۴ش)
درگذشت عطا...کاملى، دولبورا(۱۳۴۷ش)
درگذشت اسد...عسگرولادى، سرمایه‌دار ایرانى(۱۳۹۸ش)
اختراع آسانسور در آمریکا(۱۷۸۰م)

حکمت ۱۸۹:

هر که را صبر رهاىی ندهد، بیثابى و زارى تپاهش سازد.



تحریض باعشق

❗ در قرن نهم یا دهم هجری در اثر خشکسالی و دروغ و برخی تصمیمات نادرست اقتصادی در سرزمین تخارستان، قحطی بزرگی اتفاق افتاد. به طوری که

زمین‌های کشاورزی از بین رفتند و محصولات کشاورزان نابود شدند و دام‌های دامداران تلف گشتند و بسیاری از مردم در اثر کمبود موادغذایی مردند و تولید آثار هنری و ادبی متوقف شد و در مجموع اوضاع بدی در تخارستان به وجود آمد چون اوضاع وخیم شد و مردم از بهبود شرایط ناامید شدند پیری که از داناترین پیران تخارستان بود برای آن که به مردم دل‌داری و امیدواری بدهد در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر به راه افتاد تا به مردم کمک و با آنها صحبت کند و بدر امید را در دل‌های آنان بکارد و آنان را به روزهای بهتر نوید دهد.

پیر چند شبانه‌روز در شهر کوچه‌به‌کوچه و خیابان‌به‌خیابان گشت و با مردم صحبت کرد و آنان را به صبر و شکیبایی و امید به آینده تحریض نمود اما پس از چندی در اثر مشاهده حال و روز مردم و کودکان گرسنه و اجساد مردگان، خود نیز دچار یاس و ناامیدی شد و به پرسه‌زدن‌های بی‌هدف در شهر پرداخت تا آن که به مردی رسید که برخلاف همه مردم شادمان و خوشحال بود و بیش‌کن هم می‌زد.

مرد را صدا کرد و گفت: در روزهایی که قحطی همه‌جا را فراگرفته و مردم زرت‌زرت می‌میرند اگر چیز خنده‌داری هست بگو تا ما هم بخندیم.

مرد گفت: من خدمتکار مرد عاقلی هستم که فکر این روزها را کرده بود و در پشت‌بام خانه‌اش باتری خورشیدی کار گذاشته و در باغچه خانه‌اش سیب‌زمینی، سبزی و درختان میوه کاشته و گرمی‌جات بسیاری ذخیره کرده و کارهای دیگری نیز کرده و ما اکنون بدون هیچ مشکلی زندگی می‌کنم و تا وقتی او را دارم چرا شادمان نباشم؟ در این لحظه پیر با خود گفت: این بدبخت صاحب‌کارش را دارد و غم ندارد. این وقت من که خدا را دارم چرا غم داشته باشم؟

پس او نیز بخاست و به همراه مرد خدمتکار شادمانی و خوشحالی کرد و بشکن هم زد و تا پایان عمر مردم را به صبر و شکیبایی و امید به آینده تحریض کرد. ❗

تکدی‌گری در تهران ممنوع می‌شود

مرتضی الویری، شهردار تهران اعلام کرد: برنامه شهرداری تهران این است که تکدی‌گری را در سراسر این شهر ممنوع کند.

وی گفت: شهرداری یکی از سازمان‌هایی است که در زمینه مبارزه با تکدی‌گری با استانداری، نیروی انتظامی و بهزیستی همکاری می‌کند. کار جمع‌آوری متکدیان سطح شهر به صورت جدی از سال گذشته آغاز شده‌است و امسال هم برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای اجرایی کردن این طرح داریم. گدایان پس از جمع‌آوری در محلی تفکیک می‌شوند و متکدیانی که بیماری روانی هستند دارند برای معالجه به بیمارستان منتقل می‌شوند و گدایانی که بزه‌کار هستند به زندان‌ها و برخی دیگر که دارای شرایط خاص هستند به بهزیستی تحویل داده خواهندشد. (صفحه ۱۷)

غوغای مولن‌روژ در انگلستان

مولن‌روژ در نخستین هفته نمایش خود در انگلستان صدرنشین جدول هفتگی فروش شد. به گفته تحلیلگران فروش افتتاحیه فیلم بسیار خوب بوده و فیلم در سه روز آخر هفته توانست حدود ۲/۵ میلیون پوند بفروشد. مولن‌روژ که در آمریکا هم فروش بالایی دارد، یک اثر موزیکال است که نیکول کیدمن و مک‌گروگر نقش‌های اصلی آن را بازی می‌کنند. (صفحه ۳)

سرنخ

چند ساعت پس از حملات تروریستی به چند مرکز مهم دولتی آمریکا که در راس اخبار دنیا قرار گرفت، نیروهای امنیتی این کشور یک دستگاه کامیون پر از مواد منفجره را در زیر پل معلق نیویورک کشف و دو نفر را در این ارتباط دستگیر کردند. پلیس گفت: مواد منفجره موجود دراین کامیون به حدی بوده که می‌توانست پل معلق جورج واشنگتن را کلا نابود کند. همچنین سه سرنشین یک کامیون در اطراف نیویورک دستگیر شده‌اند که پلیس احتمال می‌دهد در انفجارها دست داشته‌اند. (صفحه ۱۸)



۲۸ تندیس برای برگزیدگان سینما

پنجمین جشن سینما دیشب با حضور جمع زیادی از هنرمندان، سینماگران و مسوولان فرهنگی و هنری برگزار شد. در این مراسم چهار تندیس افتخاری ۲۴ تندیس به برگزیدگان اهدا شد. پروانه معصومی، پد...ا، صمدی، ابراهیم حاتم‌کیا و مجیدی مجیدی تندیس افتخار دریافت کردند. کامبوزیا پرتوی، آتیلا پسیانی، پوپک گلدره، محمدرضا فروتن، لیلا حاتمى و بهرام بیضایی برخی از سینماگرانی هستند که در این جشن، تندیس جشن سینما را به خانه بردند. (صفحه ۲)

فوتبال اروپا تعطیل شد

به دنبال اعلام وضعیت فوق‌العاده در اروپا تمامی رقابت‌های باشگاه‌های اروپا و جام اتحادیه باشگاه‌های این قاره لغو شد. گرهارد آیزگر، رئیس یوفا در بیانیه‌ای اعلام کرد: یوفا احساس می‌کند خانواده فوتبال اروپا باید با به تعویق انداختن مسابقات به احساسات خانواده‌های داغ‌دیده احترام بگذارد. به گزارش رویترز از جنوا، آیزگر همچنین گفت: می‌خواهم به نمایندگی از اتحادیه فوتبال اروپا مراتب همدردی خود را با همه کسانی که در نتیجه این حوادث آسیب دیده‌اند رسماً اعلام کنم. این در حالی است که فیفا هم در حال بررسی برنامه چندین مسابقه در سطح جهان است که قرار است ظرف روزهای آینده برگزار شود. مسوولان فیفا قصد دارند در صورت لزوم در این برنامه‌ها تغییراتی ایجاد کنند. (صفحه ۱۹)